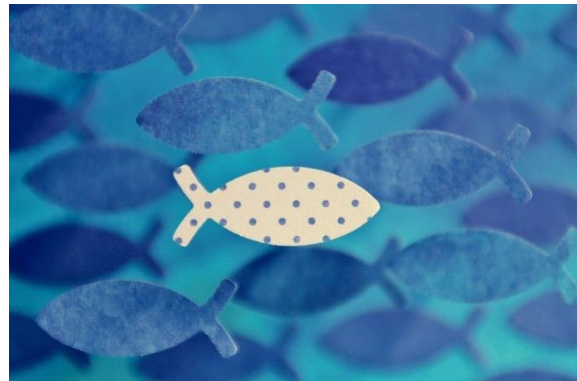


پس اکنون برای آنان که در مسیح عیسی هستند، دیگر هیچ محکومیتی نیست، زیرا در مسیح عیسی، قانون روح حیات مرا از قانون گناه و مرگ آزاد کرد؛³ چون آنچه شریعت قادر به انجامش نبود، از آن رو که به سبب انسان نفسانی ناتوان بود، خدا به انجام رسانید. او پسر خود را به شباهت انسان گناهکار فرستاد تا 'قربانی گناه' باشد، و بدینسان در پیکری بشری، حکم محکومیت گناه را اجرا کرد⁴ تا آنچه شریعت مطالبه می‌کند، در ما تحقق یابد، در ما که نه بر طبق نفس بلکه بر طبق روح رفتار می‌کنیم.⁵ آنان که نفسانی هستند، به آنچه از نفس است می‌اندیشند، اما آنان که



روحانی‌اند، به آنچه از روح است⁶. طرز فکر انسان نفسانی، مرگ است، اما طرز فکری که در حاکمیت روح قرار دارد، حیات و سلامتی است⁷. زیرا طرز فکر انسان نفسانی با خدا دشمنی می‌ورزد، چرا که از شریعت خدا فرمان نمی‌برد و نمی‌تواند هم ببرد،⁸ و کسانی که در حاکمیت نفس هستند، نمی‌توانند خدا را خشنود سازند.⁹ اما شما نه در حاکمیت نفس، بلکه در حاکمیت روح قرار دارید، البته اگر روح خدا در شما ساکن باشد. و اگر کسی روح مسیح را نداشته باشد، او از آن مسیح نیست¹⁰. اما اگر مسیح در شماست، هر چند بدن شما به علت گناه مرده است، اما چون پارسا شمرده شده‌اید، روح برای شما حیات است¹¹. و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، حتی به بدنهای فانی شما نیز حیات خواهد بخشید. او این را به واسطه روح خود انجام خواهد داد که در شما ساکن است.

یک ضرب المثل چینی قدیمی می‌گوید: «اگر می‌خواهی به سرچشمه بروی، باید برخلاف جریان شنا کنی.» اما کسی که برخلاف جریان شنا می‌کند، باید بداند که منبع مخصوصی در انتهای جریان وجود دارد. زیرا در غیر این صورت بسیار ساده تر است که او را توسط آب ببرد حتی به وجود اینکه آب به پرتگاه برود. متن خطبه امروز ما نیز در مورد موضوع شنا کردن بر خلاف جریان است. پولس در مورد دو عالم بزرگ صحبت می‌کند که دقیقاً در تضاد هستند: یعنی دنیای نفسانی و دنیای روحی. و تناقضی بزرگتر از این وجود ندارد: پولس آن را خلاصه می‌کند: «ذهن نفسانی بر خلاف خدا است!» آیا می‌توانیم بر خلاف دنیای نفسانی باشیم؟ آیا می‌توانیم بر خلاف احساسات و اراده‌های خودمان خدا را به مقام اول بگذریم؟ آیا می‌توانیم بر خلاف شر باشیم؟

در ابتدا، ۱۱ شاگردان عیسی به گونه‌ای به نظر نبودند که برخلاف جریان شر شنا کنند. همه آنها افراد بسیار شکست خورده ای بودند. همه آنها در مقابل عیسی بودند و ناامید بودند. آنها در شرایط سخت عیسی فرار کردند. با وجود آن عیسی به آنها فرموده است: « پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید » هر کدام از آن شاگردان ماموریت فوق العاده را دریافت کردند. اما برایشان سنگین بود. به نظر من هر کدام خودشان را بهانه آورد. : کی؟ من؟ ... من باید به تمام دنیا بروم؟

«من خیلی پیرم!» «نمی‌توانم حرف بزنم» یا مشکل دریازدگی را دارم!» کسی دیگر باید برود... و و... و با این حال عیسی آنها را خطاب کرد. آنها مسولیت بشرات دادن انجیل را دریافت کردند! اما تکلیف آنها غیر ممکن بود. چگونه بایستی آن کار را انجام دهند؟ در همین مرحله ما به معجزه روح القدس می‌رسیم. روح القدس همین کار را انجام داده است که آن شاگردان نمی‌توانستند انجام دهند. او دوست دارد با انسان‌های ضعیف کار می‌کند. به همین دلیل می‌دانیم که روح القدس نیز ما را خطاب می‌کند و برای کار مخصوص را تقدیس می‌کند.

امروز ما روح القدس را جشن می‌گیریم. ما روح القدس را به عنوان مراحل فرهنگی نگاه نمی‌کنیم اما در مورد سرچشمه ی زندگی مان صحبت می‌کنیم. در این روز، ما در مورد ۱۱ شاگرد ضعیف و در مورد ما صحبت می‌کنیم: چگونه افرادی مانند ما می‌توانیم از طریق روح القدس زندگی کنیم! و چگونه می‌توانیم به عنوان انسان‌های

ضعیف برخلاف جریان شر شنا کنیم، و چگونه می توانیم منبع را در انتهای جریان ببینیم. اما در زمان مدرن به نظر می رسد که ما از طریق جشن روح القدس می خواهیم افسانه قدیمی را نو سازی کنیم. زندگی ما با روح القدس چگونه پیش می آید؟ تصور می کنم چگونه با همسایه غیر مسیحی ام صحبت کنم. هر دو مردمی هستیم که شرایط شادی و غم را تجربه می کردیم. هر دو باید با زندگی که به ما داده شده کنار بیاییم. وقتی با همسایه ام صحبت می کنم، البته او می خواهد بداند چه چیزی در بین ما متفاوت است. او می خواهد بداند آیا خودم را بهتر از او ارزیابی می کنم؟ یا نه؟ او می خواهد بداند: چه چیزی بین ما فرق دارد؟ بله، به عنوان یک مسیحی جنبه ها وجود دارند که متفاوت هستند. اما همه چیز فرق ندارند. من هنوز با وسوسه شر مبارزه می کنم. هنوز باید از شر بترسم. هنوز بیمار می شوم. من هم مثل بقیه نیازهای عادی را دارم. شاید پس از آن همسایه به این ایده برسد که ما مسیحیان به حمایت نیاز داریم. او که انسان بسیار شایسته ای است، نیازی به همین حمایت ندارد و بدون هیچ کمکی می تواند از زندگی عادی کنار بیاید. مهمتر از همه، او می تواند بدون کمک روح القدس عمل کند. بنابراین مکالمه به این خلاصه می شود: «من به انجیل شما نیازی ندارم. به هر حال می توانم بدون آن زندگی کنم. بقیه، به آن انجیل نیاز دارند! کسانی که نمی توانند با زندگی کنار بیایند. اما من به آن نیازی ندارم. من به تنهایی می توانم به خوبی مدیریت کنم!» پولس در متن مواعظ ما دو جنبه را دنیای نفسانی و دنیای روحانی که در تضاد هستند فرض دارد. منظور او این نیست که مسیحیان روحانی هستند و غیر مسیحیان نفسانی هستند. منظور او نیست که غیر مسیحیان نمی توانند افراد خوبی باشند. تنها این را انکار می کرد که افراد نفسانی می توانند خدا را خوشنود کنند. به عبارت دیگر: مسیحیان و غیر مسیحیان نفسانی هستند هر دوی نمی توانند خداوند را در این راه خوشنود سازند. مشکل ما انسانها این نیست که عیب داریم. مشکل این نیست که ما گناهکاران ضعیفی هستیم. مشکل این است که ما می خواهیم بدون خدا زندگی کنیم. مشکل این است که ما منبع زندگی را نمی شناسیم و به همین دلیل اجازه می دهیم که تحت تأثیر دنیا و احساسات مان قرار بگیریم. و بنابراین پولس در متن ما در مورد این صحبت می کند که چگونه می توانیم طبق روح رفتار کنیم. زندگی بر اساس قانون چنین نیست، زیرا قانون توسط نفسانی ضعیف می شود. چیزی دیگری باید وارد شود.... ما باید طبق روح زندگی کنیم. پولس گفت: "شما نفسانی نیستید، بلکه روحانی هستید" نظر پولس در موضوع روح چیست؟ آیا روح چیزی مانند موشکی است که فرد روحانی می تواند با آن پرواز کند؟ و با این کار می تواند بسیار برتر از مردم عادی باشد؟. چیزی شبیه ابرمردان روحانی.

به نظر می رسد که سخنان پولس با این موضوع در تناقض است. خودش گفت که انسان عادی است: «زمانی من جدا از شریعت زنده بودم؛ اما چون حکم آمد، گناه زنده گشت و من مردم. همان حکم که می پایست به حیات راهبر شود، در عمل به مرگ من انجامید. (رومیان ۷، ۱۹). پولس، مانند شاگردان اول، و مانند ما، بیشتر نشان می دهد که خودش انسان عادی است. مبارزه بر خلاف گناه هنوز در میان ما اتفاق می افتد. چیزی که ما در آن جنگ نیاز داریم اصلاحی کوچک نیست و نه موشکی روحانی که ما را فراتر از جسم پرواز کند. نه، معجزه روح القدس این است که خود خدا وارد می شود. عیسی یک بار برای همیشه آن را نشان داده هنگامی که به انسان تبدیل شد. او برای ما نیز بر گناه، مرگ و شیطان چیره شد. خداوند عیسی مسیح تمام کارهایی را که ما نمی توانیم انجام دهیم انجام داده است. او دارای قدرت معنوی است که ما فاقد آن هستیم. او احکامی را که ما نمی توانیم نگه داریم، حفظ کرد. او شیطان را بر روی صلیب شکست داد که ما نمی توانیم انجام دهیم. او همچنین بر مرگ بر صلیب پیروز شد که ما نمی توانیم آن را فتح کنیم. و این دقیقاً همان کاری است که روح القدس برای ما انجام می دهد. روح القدس اصلاً قابل مقایسه با روح انسانی نیست. معجزه روح این است که خدا نزد ما می آید. حتی در ما زندگی می کند. با وجود تمام ضعف های انسانی روح القدس کلیسا را تأسیس و ایجاد و می سازد. و سپس اجازه داریم روح القدس را تجربه کنیم. به طوری که در پنطکاست کار روح در بین مردم نمایان می شود و می توان آن را تجربه کرد تا مردم به ایمان بیایند... همانگونه مردم می توانند از طریق قدرت خدا و از طریق ایمان کلیساها را بنا کنند و بر خلاف تصورات بشری، حتی می توانند بر دروازه های شیطان غلبه کنند. کار کلیسا ی ما فقط می تواند در مورد این روح القدس باشد که در کار است. فقط یک چیز لازم است: از روح القدس بخواهید تا ملکوت خدا نیز در میان ما بیاید! وقتی اینگونه دعا می کنیم، می خواهیم کاملاً از طریق توانی خدا زندگی کنیم. می خواهیم از گناه، شیطان و مرگ رهایی یابیم. روح القدس از طریق کار مسیح می آید. اگر امروز تمعید می گیریم، خدا ما را به عنوان فرزند خود بپذیرد. در چشم خدا، گذشته، حال یا آینده دیگر به حساب نمی آید. گناهان و ضعف های زندگی ما به حساب نمی آیند. فقط عدالتی است که از طریق عیسی مسیح حاصل می شود. خدا از قبل ما را به عنوان مسیح کوچک می بیند. پولس فقط از

طریق روح القدس به این واقعیت رسید که ما از قبل مردمی روحانی هستیم، حتی در میان سختی های بسیار و همچنین در میان مبارزه با گناه، و شیطان. از نظر خداوند، تمام زندگی ما بر روح القدس بنا شده است. با این حال، این تولد جدید توسط روح به این معنی نیست که ما از این به بعد هر چیز را درست انجام خواهیم داد. به موجب آن همه می توانند بگویند... هزاران هزار آفرین، اینجا یک مرد نیکی است، یک مرد واقعاً مذهبی، یک قدیس! - فرد که ظاهر می کنند که مقدس هستند ما را به جایی نمی برند. نه، به جای نور خودمان، نور مسیح باید به خوبی بدرخشد. زیرا عیسی مکاشفه نهایی و کامل خداوند است. او همچنین نوری است که هنوز هم امروز به شدت می درخشد! عیسی می گوید: «من نور جهان هستم. هر که از من پیروی کند در تاریکی سرگردان نخواهد بود، بلکه نور زندگی خواهد داشت (یوحنا ۱۲، ۸).

نور خداوند ما عیسی است. نور او به طور طبیعی با تاریکی مبارزه می کند. اول در برابر تاریکی درون خودمان، اما همچنین در برابر تاریکی در جهان. همانطور که عیسی با شیطان مبارزه می کرد، بدن مسیح یانی کلیسا نیز درگیر چنین نبردی می شود. و بنابراین ما دائماً برخلاف جریان شنا می کنیم.

نبرد نهایی زمانی خواهد بود که بمیریم. به نظر می رسد وجود ما در آن زمان خاموش خواهد شد. پولس می گوید، اما روح باقی می ماند، و در نهایت حتی بدن های فانی که باید بمیرند، دوباره زنده خواهد کرد. کسی که برخلاف جریان آب شنا می کند تا به سرچشمه برسد باید مقصود را که به آن شنا می کند بداند. عیسی معتقد بود که شاگردانش می توانند از این هدف آگاه باشند. او یک دلیل داشت که به یازده شگرد اعتقاد داشته باشد. او یک دلیل داشت که به کل کلیسا به این شکل اعتقاد داشته باشد. و آن این است که خود خدا در کار است. خدا خودش روحش را فرستاد! خدا خودش ما را فرستاد تا به دنیا برویم و کلامش را منتشر کنیم. بنابراین، ما همه دلایل داریم که باور کنیم ما نیز می توانیم با قدرت روح القدس برخلاف شر و علیه ناامیدی شنا کنیم. آمین